

سلطه و هنر مقاومت

روایت‌های نهانی

جیمز دی. لیکات

ترجمه‌ی امین خلیلی



Domination and the Arts of Resistance

Hidden Transcripts

James C. Scott

سلطه و هنر مقاومت

روایت‌های نهانی

جیمز سی. اسکات

ترجمه: افشین خاکباز

ویرایش: تحریریه‌ی نشرمرکز

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشرمرکز

طرح جلد: فرشید خالقی

چاپ اول ۱۳۹۶، شماره‌ی نشر ۱۲۱۹، ۱۲۰۰ نسخه، چاپ صبا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۳۳۱-۴

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان شاهراه، شهر ۸

تلفن: ۳-۸۸۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشرمرکز محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» سرار دارد.

سرشناسه: اسکات، جیمز سی، ۱۹۳۶- م. Scott, James C

عنوان و نام پدیدآور: سلطه و هنر مقاومت: روایت‌های نهانی / جیمز سی. اسکات: ترجمه‌ی افشین خاکباز. مشخصات ظاهری: ده، ۲۶۲ ص.

یادداشت: عنوان اصلی: Domination and the arts of resistance: hidden transcripts, 1990.

یادداشت: کتابنامه: نمایه.

موضوع: مقاومت منفی، قدرت (علوم اجتماعی)، سلطه‌گری (روانشناسی)، روابط بین اشخاص، گروه‌های اجتماعی

شناسه افزوده: خاکباز، افشین، ۱۳۴۳- مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ س ۸ ۵ الف / ۲۷۸ HM

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳ / ۶۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۶۲۳۴۴۱

فهرست

۱	پیشگفتار
۷	تقدیر و تشکر
۱۳	فصل ۱. در پس داستان رسمی
۲۹	فصل ۲. سلطه، کنش، و تخیل
۲۹	مقصدها
۳۵	مقدمات
۳۵	تمکین و سخنان پشت سر (یا صحنه)
۴۰	قدرت و کنش
۴۸	کنترل و تخیل — مبنای روایت نهانی
۵۷	فصل ۳. نمایش عمومی به عنوان نمایشی قابل احترام
۵۷	ارزش و هزینه‌ی نمایش عمومی
۶۲	پنهان‌سازی
۶۴	تلطیف‌ها و بدنامی‌ها
۶۷	اجماع
۷۰	رژه و تجمع: گردهمایی‌های مجاز و غیرمجاز
۷۸	مخاطب نمایش کیست؟
۸۳	فصل ۴. آگاهی کاذب یا اغراق؟
۸۴	تفسیر سکوت
۹۰	نقد هژمونی و آگاهی کاذب

- ۹۵ نظریه‌ی پوشالی هژمونی
- ۹۸ تولید اجتماعی ظواهر هژمونی
- ۱۰۳ بازخواست از قدرت یا ارزش مصرف هژمونی
- ۱۰۹ شاه‌دوستی ساده‌لوحانه: زنده‌باد فلانی
- ۱۱۶ توجه به گفتمان عمومی

فصل ۵. ایجاد فضای اجتماعی برای خرده‌فرهنگ مخالف

- ۱۲۱ واکنش به گفتن «عمو»
- ۱۲۴ کار نفی
- ۱۲۸ نفی، بولوزیک
- ۱۳۱ اسمیت، خدام متقابل
- ۱۳۳ پایگاه‌ها و حاکمان روایت نهانی: میزان آزادی
- ۱۳۷ کنترل اجتماعی و تجارت از بالا: جلوگیری از روایت نهانی
- ۱۴۲ کنترل و نظارت اجتماعی از پایین: دفاع از روایت نهانی
- ۱۴۷ جامعه‌شناسی پیوسته از روایت نهانی

فصل ۶. صدای تحت سلطه: هنر ستیزه‌جویی

- ۱۴۹ شکل‌های ابتدایی استتار
- ۱۵۱ گمنامی
- ۱۶۵ تلطیف
- ۱۶۷ غرولند
- ۱۷۰ شکل‌های پیچیده‌ی استتار: بازنمایی‌های جمعی فرهنگ
- ۱۷۳ فرهنگ شفاهی به‌عنوان استتار مردمی
- ۱۷۵ داستان‌های عامیانه، نیرنگ‌باز
- ۱۸۰ وارونگی نمادین: نشریات دنیای وارونه
- ۱۸۶ آیین‌های وارونگی، کاروان شادی و ضیافت

فصل ۷. فروسیاست‌های گروه‌های فرودست

- ۱۹۷ روایت نهانی در مقام تظاهر؟
- ۱۹۹ روایت نهانی در مقام عمل
- ۲۰۲ آزمودن مرزها
- ۲۰۶ مقاومت در زیر خط

فصل ۸. بزم قدرت: نخستین اعلان آشکار روایت نهانی	۲۱۷
امتناع از بازتولید ظواهر همومونی	۲۱۸
شکستن سکوت: الکتریسیته‌ی سیاسی	۲۲۱
در جست‌وجوی رضایت عمومی	۲۲۶
زمان‌بندی: اراده‌گرایی و ساختار	۲۳۲
فره‌مندی و ساختار روایت نهانی	۲۳۵
شکستن طلسم	۲۳۹
کتاب‌شناسی	۲۴۳
نمایه	۲۵۵

پیشگفتار

اندیشه‌ای که در پس این کتاب است ثمره‌ی تلاش‌های مستمر و کمابیش کودکانه‌ی من برای درک روابط طبقاتی در یکی از دهه‌های مایلاست. در آنجا شرح‌های متفاوتی از معاملات زمین، میزان دستمزد، شهرت اجتماعی، و حیوانات فداری می‌شنیدم. این مسئله به‌خودی‌خود چندان عجیب نبود، چون روستاییان مختلف منافع و عارضه‌ی اشتند. آزاردهنده‌تر این بود که همین روستاییان گاهی گفته‌های قبلی خود را نقض می‌کردند؛ کسی طول کشید تا به فکرم خطور کند که این تناقض‌ها به‌ویژه، ولی نه همیشه، در میان روستائیان فیری پدیدار می‌شود که از لحاظ اقتصادی بیشترین وابستگی را دارند. وابستگی نیز به اندازه‌ی فقر اهمیت داشت، چون بعضاً فقرای نسبتاً مستقلی هم بودند که نظراتشان هم عاری از تناقض بود و هم مستقر.

دیگر اینکه این تناقض‌گویی‌ها از نوعی منطق موقعیتی پیرامونی می‌دیدند. وقتی که مسئله را تنها به روابط طبقاتی محدود کردم (که تنها یکی از مسائل است)، به نوبت رسیدم فقر در حضور ثروتمندان یک ساز و در میان فقرا سازی دیگر کوک می‌کنند. ثروتمندان نیز با تمرا به یک زبان و با یکدیگر به زبانی دیگر سخن می‌گفتند. این‌ها آشکارترین تفاوت‌ها بودند و به ترکیب خاص گروهی که سخن می‌گفت و البته موضوع بحث، تمایزات ظریف‌تری نیز آشکار می‌شد. طولی نکشید که دیدم می‌توان، با استفاده از این منطق اجتماعی، راه را برای مقایسه‌ی این گفتارها با یکدیگر هموار کرد و راهی به این قلمروی ناشناخته گشود. این شیوه برای اهداف محدودی که داشتم کاملاً مناسب بود و حاصل آن در کتاب *سلاح‌های ضعیفان: شکل‌های هرروزه‌ی مقاومت دهقانان* (انتشارات دانشگاه ییل، ۱۹۸۵) به‌ویژه صفحات ۲۸۴ تا ۲۸۹ آمده است.

وقتی که با چگونگی اثرگذاری روابط قدرت بر گفت‌وگوی میان اهالی مالایا بیشتر آشنا شدم، طولی نکشید که فهمیدم خود من نیز وقتی در حضور کسانی هستم که به‌نوعی نسبت به من قدرت چشمگیری دارند چگونه سنجیده سخن می‌گویم، و متوجه شدم هنگامی که باید پاسخ‌هایی را که به نظرم محتاطانه نیستند فرو بخورم، اغلب کسی را پیدا می‌کنم که ناگفته‌هایم را به او بگویم. انگار

فشاری جسمی در پس این سخن فروخورده هست. در آن موارد نادری که خشم و عصبانیت بر من غلبه می‌کرد، با وجود خطر تلافی طرف مقابل، احساس می‌کردم سبک شده‌ام و خوشحالم. تنها آن زمان بود که کاملاً فهمیدم چرا نمی‌توان درباره‌ی رفتار علنی کسانی که بر آن‌ها قدرت داریم براساس ظاهر قضاوت کرد.

به هیچ وجه نمی‌گویم نخستین کسی هستم که به این نکته‌ها درباره‌ی روابط و گفتمان قدرت توجه کرده‌ام. این‌ها بخشی از حکمت عامیانه‌ی میلیون‌ها انسانی هستند که بیشتر ساعات بیداری‌شان را در موقعیت‌هایی می‌گذرانند که سایه‌ی قدرت بر آن‌ها سنگینی می‌کند و رفتاری نابجا یا کلامی اشتباه می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد. کاری که در این کتاب کرده‌ام تلاش برای بررسی نظام مد تر (اگر نگویم سرسختانه‌تر) این اندیشه است تا بفهمم چه چیزهایی را می‌تواند درباره‌ی قدرت، هنر، مقاومت، و انقیاد به ما بیاموزد.

کتاب را با این فرض سازماندهی کردم که شدیدترین شرایط بی‌قدرتی و وابستگی به شناخت مسئله کمک می‌کنند. براین، بیشتر شواهدی که در اینجا ارائه کرده‌ام از مطالعات بردگی، رعیتی، و فرودستی ناشی شده و بر این گزاره استوار است که رابطه‌ی گفتاری با قدرت در موقعیت‌هایی به بهترین نحو پدیدار می‌شود که آنچه نمایش‌های آشکار می‌نامم بیشترین اختلاف ممکن را با روایت‌های نهان داشته باشد. هر کجا لازم دیدم از مدارک سلطه‌ی پدرسالارانه، استعمار، نژادپرستی، و حتی نهادهایی همچون زندان و اردوگاه‌های اسرای جنگی نیز بهره برده‌ام. آنچه در این کتاب می‌بینید برخلاف مطالعاتی که درباره‌ی روستای کوچکی در مالایا انجام دادم تحلیلی بافتاری و مشروط نیست که پیشه در تاریخ داشته باشد، و برخلاف بسیاری از اصولی که در کارهای پسامدرن می‌بینیم، شیوه‌ای گزینشی دارد. به دنبال یافتن الگوهاست. وجه مشترک این کتاب با آثار پسامدرن این باور است که هیچ جمع اجتماعی یا موضع تحلیلی نیست که بتوان بر اساس آن درباره‌ی ارزش درستی یک متن یا گفتار به قیاس و ثبوت نشست. اگرچه باور دارم که کار متنی دقیق همچون خونی است که در رگ‌های نظریه جریان دارد. به این نیز معتقدم که اگر بر شباهت‌های ساختاری تمرکز کنیم، می‌توانیم براساس فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی به نکات سودمندی اشاره کنیم.

بنابراین، راهبرد تحلیلی که در این کتاب به کار گرفته‌ام با این گزاره آغاز می‌شود که شکل‌های مختلف سلطه که ساختار مشابهی دارند همچون اعضای یک خانواده به یکدیگر شباهت دارند. این شباهت‌ها در مواردی همچون بردگان، رعیت‌ها و کاست‌های فرودست نسبتاً ساده‌اند. هر یک از این‌ها نمایانگر ترتیبی نهادینه برای تصاحب دسترنج، کالاها و خدمات جمعیتی فرودست است. گروه‌های فرودست در این شکل‌های سلطه از هیچ گونه حقوق سیاسی یا مدنی رسمی برخوردار نیستند و جایگاهشان از بدو تولد ثابت است. تحرک اجتماعی، اگرچه شاید گاهی در عمل رخ دهد، از نظر اصول امکان‌پذیر نیست. ایدئولوژی‌هایی که چنین سلطه‌ای را توجیه می‌کنند فرضیات

رسمی درباره‌ی فرودستی و فرادستی هستند که به نوبه‌ی خود در برخی آیین‌ها یا رسوم جلوه‌گر می‌شوند و تماس عمومی میان اقشار مختلف را تنظیم می‌کنند. روابط میان ارباب و برده، زمین‌دار و رعیت، هندو و نجس، به‌رغم اینکه تا حدی نهادینه شده‌اند، شکل‌هایی از حاکمیت شخصی هستند که آزادی عمل بسیاری برای رفتارهای سلیقه‌ای و دلبخواهی فرادستان فراهم می‌سازد. این روابط همواره با عنصری از ارباب‌فردی همراه‌اند، که ممکن است به شکل ضرب و شتم خودسرانه، وحشیگری جنسی، توهین، و تحقیر در حضور دیگران باشد. مثلاً شاید بخت با برده‌ای یار باشد و از چنین رفتاری در امان بماند، ولی اطمینان از اینکه چنین چیزی ممکن است بر سر او نیز بیاید بر کل این رابطه سایه می‌اندازد. نکته‌ی آخر این که فرودستان در این ساختارهای گسترده‌ی سلطه از زندگی اجتماع دست‌های برخوردارند که بیرون از دایره‌ی کنترل بی‌واسطه‌ی اربابان است. اصولاً در چنین شرایط پنهانی است که نقد مشترک سلطه ممکن می‌شود.

شباهت ساختاری این سه در نه توصیف کردم از نظر تحلیلی در همه‌ی استدلال‌هایی که در این کتاب ارائه می‌دهم نقش اساسی ایفا می‌کند. مسلماً نمی‌خواهم ادعا کنم که بردگان، رعایا، نجس‌ها، استعمارشدگان، و اقوامی که از آن‌ها آمده‌اند همه ویژگی‌های یکسانی دارند. نمی‌توان از چنین ادعاهای ذات‌گرایانه‌ای دفاع کرد. بررسی آن‌ها می‌خواهم بگویم این است که ساختارهای سلطه‌ای که شیوه‌های مشابهی را به کار می‌گیرند، در شرایط برابر، واکنش‌ها و الگوهای مقاومتی را برمی‌انگیزند که بسیار شبیه یکدیگرند. بنابراین، بردگان رعایا و مولا برأت نمی‌کنند آشکارا به شرایط انقیاد خود اعتراض کنند. ولی در پس پرده شاید به ایجاد و دفاع از فضای اجتماعی‌ای بپردازند که مجال مخالفت پنهانی با روایت رسمی روابط قدرت را در درون آن صحنه فراهم می‌آورد. شکل‌های خاصی که این فضای اجتماعی به خود می‌گیرد (مثلاً تیراندازی، زبانی، رمزهای آیینی، میخانه‌ها، بازارهای مکاره، گردهمایی‌های دینی پنهانی بردگان) یا محتوای خاص این مخالفت‌ها (مثلاً امید به بازگشت پیامبر، تهاجم آیینی از طریق جادوگری، گرامی داشت قهرمانان را در نه شهدای مقاومت) به اندازه‌ی فرهنگ و تاریخ نقش‌آفرینان یگانه و منحصر به فردند. برای اینکه بتوانم الگویی کلی ارائه دهم، عمداً ویژگی خاص هر یک از این شکل‌های فرودستی، مثلاً تفاوت میان بردگان منطقه‌ی کاراییب و بردگان امریکای شمالی، رعایای فرانسوی سده‌ی هفدهم و میانه‌ی سده‌ی هجدهم، رعیت‌های روس و رعیت‌های فرانسوی، مناطق مختلف، و مواردی از این دست را نادیده گرفته‌ام. تعیین ارزش نهایی الگوهای کلی که در اینجا ترسیم کرده‌ام تنها در صورتی میسر است که شرایطی را که در دوره‌های تاریخی و فرهنگ‌های مورد نظر حکم فرما بوده است در نظر بگیریم.

نگاهی به ساختارهایی که در اینجا بررسی کرده‌ام نشان می‌دهد که مسائل کرامت و خودمختاری که معمولاً فرع بر استثمار مادی محسوب می‌شوند برای من مهم‌ترند. بردگی، رعیتی، نظام کاستی، استعمار، و نژادپرستی همواره اقدامات و آیین‌های تحقیر و توهین و تجاوز به حریم بدن را تولید می‌کنند که به نظر می‌رسد بخش بزرگی از روایت‌های پنهانی قربانیان را به خود اختصاص می‌دهد.

این شکل‌های سرکوب، همان‌طور که خواهیم دید، فرودستان را از نعمت عادی تلافی‌جویی، یعنی سیلی در برابر سیلی و توهین در برابر توهین محروم می‌کنند. حتی در مورد طبقه‌ی کارگر معاصر نیز به نظر می‌رسد بی‌اعتنایی به کرامت فردی و کنترل دقیق کار فرد به اندازه‌ی نگرانی‌های محدودتر کار و دستمزد در شرح‌هایی که از بهره‌کشی ارائه می‌دهند اهمیت دارد.

هدف کلی من این است که بگویم چگونه می‌توانیم رفتار سیاسی غالباً موقتی گروه‌های فرودست را بررسی، تفسیر و درک کنیم. وقتی که ضعیفان اغلب مجبورند در حضور قدرتمندان ظاهرسازی کنند و قدرتمندان شاید به نفعشان باشد که شهرت و سیادتشان را به رخ بکشند، چگونه باید روابط قدرت را مطالعه کنیم؟ اگر درباره‌ی همه‌ی این مسائل بر اساس ظاهر به قضاوت بنشینیم، ممکن است حرکتی تاکتیکی را با کل ماجرا اشتباه بگیریم. بنابراین سعی کرده‌ام رویکرد متفاوتی به مطالعه‌ی قدرت را در پیش بگیرم تا از تناقضات، تنش‌ها، و امکانات نهفته پرده بردارم. هر گروه فرودستی از مصائب‌اش «روایتی نهانی» می‌سازد که نقد قدرت در غیاب حاکمان است. قدرتمندان نه روایتی نهانی دارند که اقدامات و مدعیات حکومت آن‌ها را که نمی‌توان آشکارا بازگو کرد بازنمایی می‌کند. مثلاً سه‌ی روایت نهانی ضعیفان با روایت نهانی قدرتمندان و هر دو روایت نهانی با نمایش عمرانی روابط قدرت راه جدیدی برای درک مقاومت در برابر سلطه است.

بعد از آغازی نسبتاً ادراک‌ناپذیر، راج الیوت و جورج اورول، می‌کوشم نشان دهم که چگونه فرایندهای سلطه، علاوه بر رفتار عادی، برتری‌جویانه، گفتمان پس‌پرده‌ای را ایجاد می‌کنند که شامل چیزهایی است که نمی‌توان در حضور صاحبان قدرت به زبان آورد. همزمان، هدف برتری‌جویانه‌ای را که در ورای نمایش‌های سلطه و رضایت قرار دارد بررسی می‌کنم و می‌پرسم که مخاطب چنین نمایش‌هایی کیست. این بررسی به نوبه‌ی آخر، به می‌گردد که چرا حتی خوانش‌های دقیق مدارک تاریخی و بایگانی هم شرح قدرتمندان از روابط قدرت را تأیید می‌کنند. به نظر من گروه‌های ضعیف که توان شورش واقعی را ندارند به این نتیجه می‌رسند که نفع آن‌هاست برای حفظ ظاهر سلطه‌ی تمام‌عیار با قدرتمندان تباہی‌کنند.

تنها راه درک معنای این ظواهر مقایسه‌ی آن‌ها با گفتمان فرودستان در موقعیت‌هایی است که سایه‌ی قدرت بر سر آن‌ها سنگینی نمی‌کند. بهترین شرایط رشد مقاومت ایند آن‌ریک هنگامی است که از تجسس مستقیم مصون باشد. این مسئله ما را به سوی بررسی پایگاه‌های اجتماعی‌ای هدایت می‌کند که جوانه‌های این مقاومت می‌توانند در آن‌جا پدیدار شوند.

اگر رمزگشایی از روابط قدرت به دسترسی تمام‌عیار به گفتمان کم‌ویش پنهانی گروه‌های فرودست بستگی داشته باشد، پژوهشگران قدرت، خواه قدرت تاریخی باشد یا معاصر، با بن‌بست مواجه می‌شوند. ولی این واقعیت که روایت نهانی، اگرچه در لباسی دیگر، معمولاً در حضور دیگران بیان می‌شود به یاری ما می‌آید تا دست‌هایمان را به نشانه‌ی تسلیم بالا نبریم. بر این اساس می‌گویم که چگونه می‌توانیم شایعات، صحبت‌های درگوشی، داستان‌های عامیانه، ترانه‌ها، حالات

چهره، لطیفه‌ها و نمایش‌های ضعیفان را محمل‌هایی بدانیم که یکی از کارکردهایشان این است که با پنهان شدن در پس پرده‌ی گمنامی یا تفسیرهای معصومانه‌ی رفتار خود به نقد تلویحی قدرت می‌پردازند. این الگوهای پنهان‌سازی نافرمانی ایدئولوژیک کمابیش به الگوهای شباهت دارند که دهقانان و بردگان در تلاش برای خشی کردن تصاحب دسترنج، محصولات، و اموال خود به دست قدرتمندان به کار می‌برند و من در تجربیات خود با آن‌ها برخورد کرده‌ام. از جمله می‌توان به شکار غیرقانونی، کم‌کاری، دله‌دزدی، نیرنگ و فرار اشاره کرد. این شکل‌های نافرمانی را بر روی هم می‌توان فروسیاست‌های^۱ ضعیفان نامید.

در نهایت، به نظر من مفهوم روایت نهانی به ما کمک می‌کند آن لحظه‌های کمیاب هیجان سیاسی را درک کنیم که روایت نهانی، اغلب برای نخستین بار، مستقیماً و علناً رودرروی قدرت بیان می‌شود.